



اثر بخشی آموزش هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر شهر اصفهان

زهره نصر آزادانی

کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشکده روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران.
Zohreh.nasr1396@gmail.com

ماندانا نیکخواه

کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

nikkhahm@ymail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ صورت پذیرفت. در این پژوهش جامعه آماری را کلیه دانش آموزان پسر مشغول به تحصیل در دوره دوم متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ تشکیل می دادند که به شکلی پدر خود را از دست داده بودند. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود. بدین منظور تعداد ۳۰ دانش آموز پسر متوسطه دوم محروم از پدر با روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه گواه جایگزین شدند. گروه آزمایش مداخله هوش هیجانی (طی ۱۰ جلسه یک و نیم ساعته) را به مدت ۲ ماه دریافت نمودند، در حالیکه گروه گواه این مداخله را دریافت نکرد. سپس افراد هر دو گروه تحت پس آزمون قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه پرسشنامه سازگاری اجتماعی بود. پس از جمع آوری پرسشنامه ها و استخراج داده های خام، تجزیه و تحلیل داده های حاصل از این پژوهش توسط نرم افزار (SPSS) ویرایش ۲۴ با استفاده از روش های آمار توصیفی و تحلیل کواریانس صورت گرفت. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که آموزش هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی نوجوانان پسر محروم از پدر تأثیر معنادار داشته است ($p < 0.001$). بر اساس یافته های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می شود که از آموزش هوش هیجانی در راستای افزایش سازگاری اجتماعی نوجوانان محروم از پدر استفاده شود.

واژگان کلیدی: آموزش هوش هیجانی، سازگاری اجتماعی، دانش آموزان پسر محروم از پدر



مقدمه

یکی از دوره های پر اهمیت زندگی انسان که خود از دوره های آموزشی محسوب شده و در تربیت فرزند و شکل گیری شخصیت و چارچوب خصوصیتی آنها جایگاه ویژه ای دارد و همواره دانشمندان علم روان شناسی بر اهمیت این دوره بسیار تأکید کرده اند، دوره نوجوانی^۱ انسان است. در چرخه تحول روانی هر فرد، این دوره بین دوران کودکی و دوران بزرگسالی قرار می گیرد، دوره ای که مشخص کننده ی پایان کودکی و آغاز پی ریزی پختگی برای زندگی آینده ی فرد است (حبیب پور و شریفی، ۱۳۸۸). نوجوانی دوره ای با شروع و طول مدت متغیر، بین کودکی و بزرگسالی است. در خصوص طول دوره نوجوانی اتفاق نظر کاملی بین روان شناسان وجود ندارد. آنان طول این دوره را از سیزده سال تا چهارده سال دانسته اند، اما در آثار جدیدتر روان شناسی معمولاً سنین ۱۱ تا ۱۳ و ۱۸ تا ۲۰ سالگی را دوره نوجوانی به حساب آورده اند. واقعیت این است که آغاز و پایان و طول این دوره در دختران و پسران، جوامع مختلف و طبقات گوناگون اجتماعی متفاوت است. این دوران در جوامع ساده تر کوتاه و در جوامع پیشرفته صنعتی طولانی تر است. با وجود چنین تنوعاتی، یکی از جنبه های نوجوانی همگانی است و آن را از مراحل قبلی رشد مجزا می کند: تغییرات جسمانی و روانی بلوغ که از آغاز این دوره نمایان می شود. دوره ای که بیشتر نظریه پردازان رشد معتقدند که از حدود یازده سالگی آغاز می شود و تا پایان دوره ی بلوغ یعنی زمانی که به نوجوان امتیازات کامل بزرگسالی اعطا شود، ادامه می یابد (ترجوس-کاستیلو و ووازونوی^۲، ۲۰۱۱).

نوجوانان در طول چرخه تحول و رشد خود ممکن است فقدان های گوناگونی را در زندگی تجربه کنند، آنها ممکن است پدر، مادر، خواهر یا برادرشان را با مرگ از دست بدهند یا ممکن است تماس روزانه با یک یا چند نفر که دوستشان دارند را با طلاق یا به واسطه فرزند خواندگی از دست بدهند. اما در این میان به نظر می رسد، مرگ والدین، بحران زاترین و دردناک ترین آنها باشد (دایرگرو^۳، ۲۰۰۸). مرگ والدین تأثیر کوتاه مدت و بلندمدتی در سازگاری روان شناختی فرزندان دارد؛ اگرچه اغلب کودکان و نوجوانانی که مرگ والدین را تجربه می کنند در یک سال اول سازگاری پیدا می کنند، اما بسیاری از آنها نشانه های افسردگی، کناره گیری اجتماعی و مشکلات تحصیلی طولانی را بعد از مرگ تجربه می کنند (برور و اسپارکس^۴، ۲۰۱۲).

وقتی با مرگ پدر، خانواده از مدیریت وی محروم می شود، در فرزندان تغییرات روان شناختی ایجاد می شود که تحمل آن برای بسیاری از کودکان و نوجوانان دشوار است و موجب به هم خوردن تعادل روانی آنان می شود. مرگ پدر ممکن است در کودکان و نوجوانان استرس، اضطراب و ناامنی ایجاد کند و آنان را به سمتی سوق دهد که به نابسامانی روانی کشیده شوند و رابطه آنها با محیط اطراف گسسته شود (اسلز^۵، ۲۰۱۰؛ سر و ماس^۶، ۲۰۰۸).

پژوهش های متعددی نشان داده اند که فرزندان خانواده های تحت سرپرستی مادر از نظر سازگاری روان شناختی^۷ و رشد نقش یابی جنسیتی^۸ و میزان عزت نفس و پیشرفت تحصیلی نسبت به فرزندان خانواده های عادی و ضعیف ترند و به این نتیجه رسیده اند که حضور نداشتن پدر در خانواده یک عامل منفی در زندگی فرزندان است. بر همین اساس مولفه های روان شناختی نوجوانان فاقد پدر دستخوش تغییر شده و میزان شادکامی آنان تحت تأثیر قرار گرفته و از میزان سازگاری اجتماعی آنان کاسته می شود (وات کینز^۹، ۲۰۱۰؛ چوی و چکسون^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ وینکینگ، جرون و کاپلان^{۱۱}، ۲۰۱۱؛ برور و اسپارکز، ۲۰۱۲).

روان شناسان سازگاری فرد را در مقابل محیط مورد توجه قرار داده و خصوصیتی از شخصیت را به هنجار تلقی کرده اند که به فرد کمک می کند تا خود را با جهان پیرامون سازگار کند، و با دیگران در صلح و صفا زندگی و در جامعه جایگاهی کسب نماید. در این میان سازگاری اجتماعی انعکاسی از تعامل فرد با دیگران، و رضایت از نقش های خود و نحوه عملکرد در نقش ها است که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارد. سازگاری اجتماعی معمولاً در اصطلاحات نقش های اجتماعی، عملکرد نقش، درگیر شدن با دیگران و رضایت با نقش های متعدد مفهوم سازی شده است. عواملی چون: عوامل پزشکی، تربیت و اختلالات عاطفی و هیجانی، ارثی،

¹adolescence². Trejos-Castillo & Vazsonyi³. Dyregrow⁴. Brewer, Sparkes⁵. Scelze⁶. Sear & Mace⁷. psychological adjustment⁸. sex-role development⁹. Watkins¹⁰. Cleoj & Jackson¹¹. Winking, Gerven & Kapan



محیطی و اجتماعی بر سازگاری اجتماعی مؤثر است. سازگاری اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روان، از جمله مباحثی است که در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و به ویژه مربیان را به خود جلب کرده است (حاج عبداللہی، ۱۳۸۸). سازگاری به همه راهبردهایی گفته می‌شود که فرد برای اداره کردن موقعیت‌های استرس‌زای زندگی بکار می‌برد (سادوک و کاپلان^۱، ۲۰۰۳) و سازگاری اجتماعی از نظر ویزمن^۲ انعکاسی از تعامل انسان با افراد دیگر، رضایت از کنش‌های فردی در محیط کار از جمله ارتباط با دانش‌آموزان یا همکاران و نحوه عملکرد در نقش‌هاست که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت فرد، فرهنگ، محیط کار و روابط خانوادگی قرار می‌گیرد. هم‌چنین سازگاری اجتماعی شامل سازگاری فرد با محیط اجتماعی خود است که این سازگاری ممکن است با تغییر دادن خود و یا محیط به دست آید (حیدری، ۱۳۸۷). خصوصیات شخص مانند مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و حالات بدنی و حساسیت موقعیت‌هایی که فرد با آن رو به رو می‌شود از جمله عواملی هستند که بر سازگاری با محیط کاری و خانوادگی و تغییرات آن مؤثرند و از آنجا که شخص و محیط همواره در حال تغییرند این دو عامل در تعیین سازگاری، خشنودی و کامیابی فرد تأثیر می‌گذارند زیرا سازگاری همواره باید بین این دو عامل خاص صورت پذیرند (قاطع زاده، ۱۳۸۴).

از روش‌های آموزشی و درمانی مطرح در این زمینه، می‌توان به آموزش هوش هیجانی^۳ اشاره کرد. چرا که این روش با آموزش مفاهیم مفاهیم اجتماعی و ارتباطی می‌تواند منجر به بهبود سازگاری اجتماعی نوجوانان شوند. هوش هیجانی از نظر مایر و سالوی^۴ (۱۹۹۳) عبارتست از: توانایی درک هیجانها، پذیرش و جلوه‌گری هیجانها، آنچنانکه با تفکر همخوان باشد و فهم هیجانها و دانش هیجانی و تنظیم فکورانه هیجانها است. بطوریکه رشد ذهنی و رشد هیجانی افزایش یابد. فلتچر^۵ و همکاران (۲۰۰۹) هوش هیجانی را ظرفیت آگاهی از احساسات دیگران، در جهت برانگیزاندن خویشتن، برای مدیریت بهینه‌ی هیجانها در خود و در رابطه‌های فردی می‌داند. هم‌چنین هوش هیجانی دارای نقش مقابله با استرس و تکانه‌ها، تحمل ضربه‌های روانی، مهار آشفستگی روانی و سازمان‌دهنده هیجانها در ارتباطات اجتماعی است (رادا^۶، ۲۰۱۴). بر همین اساس بار-ان^۷ هوش هیجانی را شکلی از هوش در نظر می‌گیرد که از هیجانها و تفکر ترکیب شده است و به معنی رسیدگی به ساختار کلی توانایی‌های هیجانی شخصی و اجتماعی است که بر استعداد مقابله با درخواست‌ها و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارد. او هم‌چنین بیان می‌دارد هوش هیجانی و مهارت‌های هیجان‌طی زمان رشد می‌کنند و طی زندگی تغییر می‌کنند و می‌توان با آموزش‌های اصلاحی مانند کلینیک‌های درمانی آنها را بهبود بخشید (به نقل از فرهادی، ۱۳۹۲). حال با توجه به اثر مثبت هوش هیجانی بر مولفه‌های روان‌شناختی و اجتماعی مختلف و نبود پژوهش آموزشی درباره تأثیر هوش هیجانی بر سازگاری نوجوانان پسر محروم از پدر، سبب شد تا این پژوهش صورت پذیرد. لذا مساله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا آموزش هوش هیجانی بر سازگاری نوجوانان پسر محروم از پدر تأثیر دارد؟

روش تحقیق

روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه گواه بود. متغیر مستقل آموزش هوش هیجانی و متغیر وابسته سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان پسر محروم از پدر بود. در این پژوهش جامعه آماری را کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر مشغول به تحصیل در دوره دوم متوسطه شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ تشکیل می‌دادند که به هر دلیلی پدر خود را از دست داده بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین نواحی شش‌گانه ادارات آموزش و پرورش شهر اصفهان، ناحیه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد. سپس با مراجعه به آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان، از بین آموزشگاه‌های پسرانه دوره دوم متوسطه، ۲۰ آموزشگاه انتخاب و از بین دانش‌آموزان این آموزشگاه‌ها، تعداد ۳۰ دانش‌آموزی که محروم از پدر بود، جهت شرکت در پژوهش به تصادف انتخاب شدند (۱۵ دانش‌آموز در گروه آزمایش هوش هیجانی و ۱۵ دانش‌آموز در گروه گواه). سپس افراد دو گروه قبل از اجرای مداخله آموزشی به وسیله پیش‌آزمون مورد سنجش قرار گرفتند. ذکر این نکته ضروری است که در انتخاب افراد برای حجم نمونه سه فاکتور نوجوان بودن، داشتن جنسیت پسر و محروم بودن از پدر به عنوان عوامل اصلی در نظر گرفته شد و پرسشنامه‌ها به عنوان پیش‌آزمون و نه به عنوان ابزار غربالگری جهت انتخاب حجم نمونه، مورد استفاده قرار گرفت.

1 - Sadock, Kaplan

2 - Weiss man

3. Emotional Intelligence

4- Mayer & Salovey

5- Fletcher

6- Radu

7- Bar-On



ضمناً رضایت افراد برای شرکت در برنامه مداخله کسب و از کلیه ی مراحل مداخله آگاه شدند. هم چنین به افراد گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از اتمام فرایند پژوهشی این مداخلات را دریافت خواهند نمود. در نهایت، بر روی گروه آزمایش برنامه آموزشی هوش هیجانی(متغیر مستقل) انجام شد در حالی که گروه گواه در طول فرایند پژوهش مداخله ای دریافت نکرد.

در این پژوهش از پرسشنامه زیر استفاده شده است.

پرسشنامه سازگاری اجتماعی:

این پرسشنامه توسط ویسمن و پیکل^۱ در سال ۱۹۹۹ جهت اندازه گیری میزان سازگاری دانش آموزان تهیه شده است. این پرسشنامه روابط بین فردی را در نقش‌های مختلف شامل احساسات، رضایت، اختلاف، و عملکرد ارزیابی می‌کند. ساختار آزمون ۲ بعد مجزا را نشان می‌دهد: ۶ حوزه نقشی(مانند کاری و خانوادگی) و ۵ بعد از سازگاری که برای هر کدام از حوزه‌ها (متناسب با نقش) انتخاب شدند. در نهایت این پرسشنامه شش مقیاس حوزه کاری، فعالیت‌های اجتماعی اوقات فراغت، روابط با خانواده گسترده، نقش‌های همسری، نقش‌های والدی و عضو واحد خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس شامل ۵۴ سوال نهایی است که پاسخ دهندگان بنا بر شرایط خود، حداکثر به ۴۲ سوال آن پاسخ می‌دهند. برای محاسبه کردن نمره کل پرسشنامه، نمره همه سوالات را با هم جمع کرده و بر تعداد سوالاتی که آزمودنی به آن پاسخ داده است، تقسیم می‌شود. نمره گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت از یک تا ۵ نمره گذاری می‌شود.

در این پژوهش، افراد نمونه پژوهش به ۲۲ سوال این پرسشنامه پاسخ دادند. حداقل امتیاز در این آزمون ۲۲ و حداکثر امتیاز ۱۱۰ بود. امتیاز بالا حاکی از این می‌باشد که آزمودنی از سازگاری اجتماعی نامطلوبی برخوردار است. جهت بررسی روایی، همبستگی‌های ارزیاب‌ها در طی همه موارد به طور متوسط ۰/۸۳ بود. همبستگی‌های کلی آزمون بین حوزه‌های نقشی مختلف بین ۰/۸۳ تا ۰/۹۰ بود که نشان از همبستگی بالای مقیاس‌های این پرسشنامه است(پیکل و ویسمن، ۱۹۹۹). ریاحی نیا در پژوهش خود(۱۳۸۱)؛ به نقل از نادیان، (۱۳۹۴) برای محاسبه اعتبار و پایایی این آزمون از روش همبستگی و آلفای کرونباخ استفاده کرد. نتایج نشان داد که بالاترین مقادیر اعتبار در سازگاری و اوقات فراغت به میزان ۰/۸۳ و پایین ترین مقادیر در روابط خانوادگی به میزان ۰/۶۶ بود. همچنین در پژوهش زمستانی و همکاران(۱۳۹۲)؛ به نقل از نادیان، (۱۳۹۴) پایایی پرسشنامه سازگاری اجتماعی با روش آلفای کرونباخ و تصنیف محاسبه شد که به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۹ به دست آمد. در پژوهشی دیگر، ضریب پایایی این آزمون با روش دو نیمه کردن و بازآزمایی به ترتیب ۰/۹۵ و ۰/۹۳ گزارش شده است (ساقی و همکاران، ۱۳۸۶).

روند اجرای پژوهش

پس از مراجعه به آموزش و پرورش ناحیه ۲ و طی مراحل قانونی، مجوز انجام پژوهش در مدارس ناحیه اخذ و به مدارس منتخب مراجعه گردید. سپس از مدیران مدارس درخواست گردید که دانش آموزان انتخاب شده(مطابق با آنچه که در روش نمونه گیری ذکر آن رفت) را در اختیار پژوهشگر قرار داده تا مداخلات آموزشی آغاز گردد. افراد گروه آزمایش متغیر مستقل آموزش هوش هیجانی را دریافت نمودند، این در حالی بود که گروه گواه تا پایان فرایند پژوهش از دریافت این مداخلات بی بهره بود. لازم به ذکر است که جلسات آموزشی به صورت یک جلسه در هفته در طی ۳ ماه اجرا گردید.

جدول ۱: خلاصه مداخلات آموزشی هوش هیجانی(فلاح و حیدری، ۱۳۹۱)

ردیف	جلسه	شرح جلسه
۱	جلسه اول	جلسه معارفه و ایجاد ارتباط مناسب صورت پذیرفت. هدف از اجرای طرح برای دانش آموزان بیان شد.
۲	جلسه دوم	آموزش قاطعیت فاقد خشونت به آنان: برای آموزش این مولفه دانش آموزان در موقعیت‌ها ی فرضی قرار می‌گرفتند که قاطعیت خاصی را می‌طلبید. در حین مواجهه با این شرایط، به آنان آموزش داده می‌شد که قاطعیت خود را به نحوی ابراز نمایند که فاقد خشونت کلامی و جسمی باشد.
۳	جلسه سوم	آموزش خودآگاهی: در این جلسه از دانش آموزان خواسته شد که افکار خود را در شرایط چالش برانگیز دارای فراوانی بیشتر بر روی برگه ای یادداشت نمایند و در کنار آن حالات چهره خود را نیز به تصویر

^۱ . Wissmen & Pickel



		بکشند.
۴	جلسه چهارم	کاربست مهارت کنترل و مدیریت هیجان در موقعیت‌ها ی چالش برانگیز و هیجان آور منفی: در ادامه جلسه سوم از آنان خواسته شد که پس از ثبت افکار منفی بر روی برگه، راه‌ها ی جایگزین مسالمت آمیز تر را به جای این افکار و در نتیجه به جای رفتارهای آسیب زا به کار ببندند.
۵	جلسه پنجم	آموزش ابراز همدردی: در این جلسه موقعیت‌ها ی فرضی چالش برانگیز ارتباطی به تصویر کشیده شد که دانش آموزان باید نظر خود را ابراز می نمودند. پس از ابراز نظرات، از آنها خواسته شد که خود را به جای فرد مورد نظر فرض نمایند تا بتوانند به اهمیت و جایگاه همدردی در ارتباط پی ببرند.
۶	جلسه ششم	آموزش مسئولیت پذیری: در این جلسه تلاش گردید که دو میحث مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا احساس مسئولیت در مقابل عملکرد خود و دوم احساس مسئولیت در قبال اعمال صحیح دیگران در مقابل آنان. بدین صورت که به آنها آموزش داده شد باید در برابر کارهای مناسب افراد دیگر سپاسگزاری نمایند که این اقدام هم به مسئولیت پذیری و عدم بی تفاوتی در برابر اعمال خوب دیگران یاری می رساند و هم به ارتباط مؤثر و مناسب تر با افراد دیگر می انجامد.
۷	جلسه هفتم	در این جلسه توانایی حل مساله به آنها آموزش داده شد: بدین صورت که برای آنها دو موقعیت فرضی تعریف می شد و آنها باید یکی از آن دو را انتخاب می کردند. سپس باید شیوه‌های مقابله و ارتباط با آن موقعیت را شرح می دادند. در انتها این نظرات به چالش کشیده می شد و بدین صورت راه حل‌ها ی متفاوت در نزد آنان مورد بررسی و کنکاش قرار می گرفت تا بیاموزند یک مساله و یا یک موقعیت لزوماً تنها یک راه حل ندارد.
۸	جلسه هشتم	آموزش خوش بینی: در این جلسه به افراد موقعیت‌ها ی فرضی ارائه گردید که این موقعیت‌ها به تناسب خود دارای وضعیت بعضاً آسیب زایی بودند و سپس به آنان آموزش داده شد که اکثر وقایع منفی، جوانب مثبتی را نیز با خود به همراه دارند که لازم است به این جوانب مثبت توجه شود و این توجه به نقاط مثبت (مثبت اندیشی)، سبب می گردد که پیدا کردن راه حل‌های مناسب برای جوانب منفی و آسیب زا نیز آسان تر صورت پذیرد.
۹	جلسه نهم	در این جلسه شیوه‌ها ی شاد زیستن و غنی سازی لحظات زندگی به آنان آموزش داده شد: بدین صورت که تشریح گردید که برای شاد زیستن نباید همیشه وقایع بیرونی شادی آور بود و برای شاد بودن باید به درون خود مراجعه نمود.
۱۰	جلسه دهم	مرور تکالیف جلسات قبل و اجرای پس آزمون.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی از آزمون شاپیرو- ویلک جهت بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها، آزمون لوین برای بررسی برابری واریانس‌ها، همچنین از تحلیل کواریانس برای بررسی فرضیه پژوهش استفاده گردید. نتایج آماری با استفاده از نرم افزار آماری SPSS24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها

یافته‌های حاصل از داده‌های جمعیت شناختی بیانگر آن بود که افراد نمونه پژوهش دارای دامنه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال بودند که در این بین میانگین و انحراف معیار سن آن‌ها $15/25 \pm 2/27$ سال بود. هم چنین بیشترین میزان پایه تحصیلی مربوط به پایه دوم متوسطه (۳۸٪) بود.



جدول ۲: میانگین و انحراف معیار مولفه سازگاری اجتماعی در دو گروه آزمایش و گواه در مرحله پیش آزمون و پس آزمون

سازگاری اجتماعی			
مولفه‌ها	مرحله	میانگین	انحراف معیار
گروه آزمایش هوش هیجانی	پیش آزمون	۵۳/۰۱	۹/۶۳
	پس آزمون	۴۰/۴۰	۸/۴۲
گروه گواه	پیش آزمون	۵۶/۲۰	۱۰/۳۱
	پس آزمون	۵۵/۰۶	۱۱/۱۰

نتایج ارائه شده در جدول ۲ حاکی از آن است که در مرحله پیش آزمون، در گروه آزمایش هوش هیجانی میانگین و انحراف معیار سازگاری اجتماعی (۱۱/۶۳ ± ۵۵/۰۱) بود، در حالی که در مرحله پس آزمون این گروه میانگین و انحراف معیار مولفه سازگاری اجتماعی (۹/۴۲ ± ۴۴/۴۰) بود. همچنین در مرحله پیش آزمون، در گروه گواه میانگین و انحراف معیار مولفه سازگاری اجتماعی (۱۲/۳۱ ± ۵۸/۳۳) بود، در حالی که در مرحله پس آزمون این گروه میانگین و انحراف معیار مولفه سازگاری اجتماعی (۹/۱۰ ± ۵۷/۰۶) بود.

قبل از ارائه نتایج تحلیل آزمون کواریانس، پیش فرض‌های آزمون‌های پارامتریک مورد سنجش قرار گرفت. بر همین اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها برقرار است ($p > 0.05$). همچنین پیش فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن معنادار نبود که این یافته می‌داد پیش فرض همگنی واریانس‌ها رعایت شده است ($p > 0.05$). حال به ارائه نتایج جداول استنباطی پرداخته می‌شود.

نتایج تحلیل کواریانس تأثیر عضویت گروهی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر با کنترل متغیر پیش آزمون در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: تحلیل کواریانس تأثیر عضویت گروهی بر میزان سازگاری اجتماعی دانش آموزان دختر

شاخص‌های آماری	متغیرها	مجموع	درجه	میانگین	F	سطح	اندازه اثر	توان
		مجذورات	آزادی	مجذورات		معناداری		آزمون
پیش آزمون		۱۱۲۳/۲۸	۱	۱۱۲۳/۲۸	۸/۴۹	۰/۰۰۸	۰/۲۰	۰/۷۷
عضویت گروهی		۲۴۳۰/۲۳	۱	۲۴۳۰/۲۳	۱۸/۹۳	۰/۰۰۰۱	۰/۴۴	۰/۹۹
خطا		۳۴۶۴/۹۱	۲۷	۱۲۸/۳۳				
کل		۳۰۸۵۸۵	۳۰					

با توجه به نتایج جدول فوق، آموزش متغیر مستقل (آموزش هوش هیجانی) توانسته منجر به ایجاد تفاوت معنادار میانگین نمرات متغیر وابسته (سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر) در مرحله پس آزمون در سطح خطای ۰/۰۵ گردد. لذا این نتیجه حاصل می‌شود که با کنترل متغیرهای مداخله گر، میانگین نمرات متغیر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر با آموزش هوش هیجانی بهبود یافته است. مقدار تأثیر آموزش هوش هیجانی بر میزان سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر ۰/۴۴ بوده است. این بدان معناست که ۴۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط عضویت گروهی تبیین می‌شود.



بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر محروم از پدر شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ صورت پذیرفت. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که آموزش هوش هیجانی بر سازگاری اجتماعی نوجوانان پسر محروم از پدر تأثیر معنادار داشته است ($p < 0.001$).

یافته‌های این فرضیه با یافته‌های اورتس و تور-آنین (۲۰۰۸) همسو می‌باشد. چنانکه آنان در پژوهش خود نشان دادند که آموزش هوش هیجانی منجر به بهبود مهارت‌های مدیریت هیجانی، مهارت‌های حساسیت هیجانی و ارتباط هیجانی در افراد می‌شود. هم چنین عبدالله و ماریا کونگ (۲۰۰۸) رابطه بین هوش هیجانی، کنار آمدن، حمایت اجتماعی و سازگاری را مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که دانشجویان با سازگاری متوسط بالا، از نظر سازگاری اجتماعی، سازگاری آموزشگاهی و سازگاری فردی و هیجانی در سطح بالایی بودند. همچنین نتایج این فرضیه با نتایج رادو (۲۰۱۴) همخوان است. چنانکه این پژوهشگر در نتایج پژوهش خود گزارش نمود آموزش هوش هیجانی سبب پردازش‌های هیجانی بالاتری شده و این نیز سبب ایجاد انگیزه بیشتری برای دانش آموزان می‌شود. با آنکه شناخت گرایان همچنان اعتقاد دارند که باید هیجانات را کاملاً از تفکر جدا کرد، اما تجارب بالینی امروز موید آن است که تفکر خالی از هیجان، فرایند تصمیم‌گیری رضایت بخش را غیر ممکن می‌سازد. مایر و سالووی و مایر (۱۹۹۰) بر این عقیده‌اند که ما نمی‌توانیم هیجانات را سرکوب کنیم زیرا هر احساس و هیجان، ارزش، معنا و پیام خاص خود را دارد، و وظیفه‌ی ما کنترل آنهاست به نحوی که بتوان یک توازن میان تفکر و هیجان برقرار کرد (پوترز و کیم، ۲۰۱۰).

عامل کلیدی برای تصمیم‌گیری مطلوب، شناخت احساسات خود و دیگران می‌باشد، و هر چه این توانایی به واسطه آموزش هوش هیجانی در فرد بیشتر باشد، اطمینان از درستی تصمیم‌گیری او بیشتر می‌گردد. فرایند هیجانی شدن به این شکل نیست که فقط در یک زمان معین، مثل ناراحتی یا کسب لذت برای فرد به وجود آید، بلکه همواره به شکلی ملموس با تمام اعمال ما همراه است. هیجانات تحت تأثیر عوامل زیستی، فردی، فرهنگی، و موقعیتی مرتباً در حال تغییر هستند، و همچنان که از این عوامل تأثیر می‌پذیرند، تمام این عوامل را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. نکته کلیدی در اینجا است که هوش هیجانی می‌تواند فرایندهای شناختی و فراشناختی درونی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. حال وقتی افراد تحت آموزش هوش هیجانی و مولفه‌های مرتبط با آن قرار گیرند، می‌توانند فرایندهای درونی ای را که بر توانایی‌ها و تعاملات فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد را تحت نفوذ خود قرار دهد. این شرایط سبب می‌گردد که وی برداشت درونی بهتری نسبت به خود داشته باشد و در نتیجه سازگاری اجتماعی بیشتری را تجربه نماید.

همچنین باید اشاره کرد که هوش هیجانی یک عنصر بنیادین از رفتار انسان است که جدا و متفاوت از هوش شناختی عمل می‌کند. هوش هیجانی، مهارتی انعطاف پذیر است که به آسانی آموخته می‌شود. با اینکه بعضی مردم، نسبت به دیگران، به طور طبیعی هوش هیجانی بالاتری دارند، اما آموزش این هوش سبب می‌شود افرادی که نمرات پایین تری نیز در این هوش به دست آورده اند شروع به پیشرفت در این هوش و در نتیجه آن به عملکرد بهتری در ارتباطات و تعاملات فردی، خانوادگی و اجتماعی برسند. از نتایج بهره مندی از هوش هیجانی توانمندی در مهارت‌های خودآگاهی و خودمدیریتی است. آموزش هوش هیجانی به افراد سبب می‌شود، فرد توانایی درک رفتار و انگیزه‌های دیگران و مدیریت کردن (اداره کردن) روابط را به دست آورد. مهارت‌هایی که در تعاملات فردی، اجتماعی و خانوادگی دارای نقشی حیاتی هستند. کسب این مهارت‌ها سبب می‌شود که فرد بتواند کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی خود را گسترش دهد. بدین معنا که فرد با یادگیری مهارت درک انگیزه و نیازهای دیگران همچون توانایی تئوری ذهن^۶، قادر می‌گردد که با میزان افراد بیشتری در

1- Ortese & Tor- Anyin

2- Abdullah

3- Copying

4- Radu

5- Potters, kim

6. Theory of mind



ارتباط بود و همچنین کیفیت ارتباطی و تعاملی بهتری را نیز تجربه نماید. مجموع این فرایندها سبب می‌شود که دختران نوجوان آموزش دیده، بتوانند سازگاری اجتماعی بالاتری را گزارش دهند.

منابع

- حاج عبداللهی س. (۱۳۸۸). کتاب سازگاری اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. نشر رشت. ص ۴۸.
- حبیب پور، ز. و شریفی، ا. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه ای شدت افسردگی در نوجوانان دختر و پسر. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، (۱)۷، ۸-۱۲.
- حیدری، م. (۱۳۸۷). بررسی رابطه هوش هیجانی با سازگاری اجتماعی دانشجویان پسر دانشگاه قم. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی. دانشگاه تهران.
- فرهادی ط. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی فراشناخت و هوش هیجانی بر علائم نافرمانی مقابله ای کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.
- فرهادی ط. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش دانش فراشناختی و هوش هیجانی بر علائم و نشانه های رفتاری کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای مقطع ابتدایی شهر اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- قاطع زاده، عبدالامیر، ۱۳۸۴. رابطه بین شیوه های فرزند پروری با رفتارهای سازش دانش آموزان دختر پایه سوم و چهارم ابتدایی شهرستان دشت آزادگان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- نادیان ح. (۱۳۹۴). مقایسه سازگاری اجتماعی، بهزیستی روانشناختی و کیفیت زندگی کارمندان آموزش و پرورش با کارمندان موسسات آموزشی خصوصی شهر اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مروودشت.
- Abdullah, C.A. 2008. *Contribution of emotional intelligence, coping, social Adjustment, and academic achievement amongst fresh students in the university. PHD thesis.* Available at [www. Yahoo.com](http://www.Yahoo.com).
- Brewer JD, Sparkes AC. Young people living with parental bereavement: Insight from an ethnographic study of a UK childhood bereavement service. *Social science & Medicine* 2012; 72: 283-290.
- Choi JK, Jakson AP. Father's involvement and Child behavior Problems in Poor African American Single-mother families. *Children and youth services Review* 2011; 33: 698- 704.
- Dyregrow A. *Grief in young children: A handbook for adults.* PA: Jessica Kingsley Publishers.2008.
- Fletcher, L, ; Leadbetter, P,; Curran, A, & Sullivan, H.(2009). A pilot study assessing emotional intelligence training and communication skills with 3rd years medical students. *Patient Education and Counseling.* 76. 376-379.
- Mayer, J.D., Salovey, P. 1997. *What is emotional intelligence? In P. Salovey & D. Sluyter (Eds.), Emotional development and emotional intelligence: Educational implications.* New York: Basic Books.



Ortese & Tor- Anyin. 2008. *Effects of emotional intelligence on marital adjustment of couple in Nigeria*. IFE Psychological , vol.16(2). Pp101-112 ISSN: 117-142.

Potters, R.kim. 2010. *impact of emotional intelligence in school success, educational science*, vol 75, pp201-225

Radu, C.(2014).*Emotional Intelligence – How do we motivate our students? Procedia - Social and Behavioral Sciences* 141, 271 – 274.

Scelz BA. Father's presence speeds the social and reproductive careers of sons. *Current anthropology* 2010; 51(2): 295-303.

Trejos-Castillo, E., & Vazsonyi, A. T. (2011). Transitions into Adolescence. *Encyclopedia of Adolescence*, 27, 369-375.

Watkins A. There Effects of single parent Home on children, *American Journal of psychology* 2010; 3: 345-352.

Winking J, Gurven M, Kaplan H. Father death and adult success among the Tsimane, *Evolution and Human Behavior* 2011; 32: 79- 89.